

اساسنامه‌ی جدید جامعه در بوته‌ی نقد

«ما» چه گونه «ما» شدیم؟

سید محمد علوی

حسابدار رسمی



اصلاحات اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۰/۴/۵ هیات وزیران تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۷ در روزنامه‌ی رسمی درج و از ابتدای شهریور ماه لازم الاجرا شده است. اساسنامه‌ی اولیه‌ی جامعه بر اساس مفاد تبصره (۲) ماده واحده «قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی» توسط هیات مؤسس جامعه تهیه شد و در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۶ به تصویب هیات وزیران رسیده است. سپس اساسنامه‌ی مزبور به پیشنهاد جامعه در تاریخ‌های ۱۳۷۹/۳/۱۸، ۱۳۸۰/۵/۱۷، ۱۳۸۱/۷/۱۴ و ۱۳۸۲/۱۱/۱ مورد برخی اصلاحات جزئی قرار گرفت. اصلاحات انجام‌شده‌ی اخیر، اساسنامه جامعه را مورد ویرایشی اساسی قرار داده به طوری که برخی، اصلاحات مورد عمل را نوعی برگشت به عقب می‌دانند. در صورتی که اصولاً اساسنامه‌ی جامعه بر مبنای «قانون تشکیل» جامعه تدوین و اصلاح می‌شود، روح حاکم بر قانون مزبور به جهت اولین تجربه، جامعه را یک نهاد حرفه‌ای «دولتی» قلمداد کرده

است و از این قانون نتیجه‌ای بهتر از این اساسنامه نباید انتظار داشت و باید نسبت به اصلاح قانون تشکیل اقدام کرد. قانون تشکیل جامعه متشکل از یک ماده واحده و پنج تبصره است. در مفاد ماده واحده کلاً اجازه و اختیار به «دولت» داده شده، در تبصره‌ی (۱) شرایط و ضوابط مربوط به تعیین صلاحیت و چگونگی انتخاب در اختیار «دولت» است، در تبصره‌ی (۲) تصویب اساسنامه‌ی جامعه در اختیار «دولت» است، در تبصره‌ی (۳) شرایط تأسیس موسسه‌ی حسابرسی به ضوابط مندرج در اساسنامه‌ی جامعه ارجاع شده که در

تبصره‌ی قبلی در اختیار «دولت» نهاده شده، در تبصره‌ی (۴) تعیین حدود ضوابط مربوط به چگونگی استفاده از خدمات و گزارش‌های خدمات حرفه‌ای در اختیار «دولت» است و در تبصره‌ی (۵) سازمان حسابرسی به عنوان موسسه‌ی حسابرسی تعیین شده و اگرچه اختیار استفاده از خدمات سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی به استفاده‌کنندگان از خدمات مزبور داده شده لیکن با توجه به مزیت اعتباری «دولتی» بودن امکان رقابت بخش خصوصی با بخش دولتی در ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای دانش‌محور میسر نیست.

با توجه به موارد فوق روشن است که روح حاکم بر قانون تشکیل بر اصلاحات اساسنامه نیز حاکم بوده است و به منظور تحقق رویای حاکمیت بخش خصوصی بر حرفه باید قبل از هر چیز قانون تشکیل «خصوصی» داشته باشیم. قانون تشکیل جامعه در زمان خود بسیار مترقی بوده است. چون در آن دوران ما قوانین و مقررات حاکم بر «خصوصی‌سازی»، «شورای رقابت» و «شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی» نداشتیم لذا باید از این بسترهای قانونی استفاده کنیم و با همت و تلاش اعضا و پای‌بندی به اخلاق و آیین رفتار حرفه‌ای این امیدواری وجود دارد که در دهه‌ی دوم فعالیت جامعه به سمت تحقق اهداف و برنامه‌های راهبردی جامعه به‌خصوص اصلاح زیرساخت‌های قانونی حرفه حرکت کنیم و حتی رکن اساسی خارج از اساسنامه‌ی کنونی شامل «هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی» را با پی‌گیری مؤثر به ارکان اساسنامه‌ی جامعه اضافه کنیم. هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی به مثابه شورای انقلاب حرفه زمانی که نهاد حرفه‌ای ذی‌ربطی وجود نداشت

تشکیل شده و در حال حاضر فلسفه‌ی وجودی آن خارج از ارکان جامعه توجیه‌پذیر نیست. از آن‌جا که برای جامعه چشم‌انداز و مأموریت تعریف شده و چون بخشی از عوامل مؤثر را در اختیار ندارد نمی‌تواند در قامت یک نهاد حرفه‌ای تمام‌عیار ظاهر شود. هم‌اینک در پذیرش حسابدار رسمی خط مشی کلان کمی و کیفی تنظیم نشده است؛ به‌طوری‌که پذیرش تعداد حسابدار رسمی در سطح ملی انجام می‌شود و نگاه منطقه‌ای و استانی به آن وجود ندارد و مشخص نیست در تهران چه تعداد حسابدار رسمی نیاز است؟ در بقیه‌ی استان‌ها به چه تعداد نیاز به حسابدار رسمی وجود دارد؟ در صورتی‌که باید طوری برنامه‌ریزی شود که پذیرش تعداد حسابدار رسمی در سطح کشور متوازن و حسب نیاز واقعی باشد و ثانیاً به لحاظ شرایط خاص اقتصادی کشور حسابرسی از زمره‌ی مشاغل حساس است. با این فرض حسابرس چه صفات و ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا هر شخصی که به چند تست پاسخ صحیح داد صلاحیت حسابرسی دارد؟ آیا هر شخصی به صرف تجربه‌ی مدیریت دولتی صلاحیت حسابرسی واحدهای اقتصادی را داراست؟ آیا پذیرش باری به هر جهت حسابدار رسمی و تنها با تأکید بر نظارت حرفه‌ای معقول و امکان‌پذیر است؟ آیا نظارت حرفه‌ای بر حسابرسی که صفات و ویژگی لازم را ندارد جواب می‌دهد؟

در حال حاضر منشاء چالش‌ها و تهدیدهای اساسی حرفه ناشی از ضعف ساختاری در ورودی به حرفه است و موارد پیش‌گفته زمانی حل و فصل می‌شود که برنامه‌ریزی آن در درون جامعه انجام شود و اصلاح اساسنامه با محوریت تشدید نظارت صرف و نگاه گسسته به نارسایی‌ها مقرون به صحت

نیست و باید نگاه پیوسته در تحلیل و اصلاح مسایل و مصایب حرفه داشت. نگاهی به محورهای اصلی اصلاحات اساسنامه بیانگر پیش‌بینی مجمع عمومی سالیانه‌ی اعضا، تغییر ترکیب شورای عالی، توسعه‌ی نظارت هیأت عالی نظارت، تغییر ضوابط تأسیس مؤسسه‌ی حسابرسی، واگذاری بخشی از وظایف و اختیارات شورای عالی به وزیر امور و اقتصادی و دارایی، گسترش نظارت حرفه‌ای، تشدید تنبیهات انتظامی، واگذاری کار دست دوم توسط سازمان حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه‌ی خدمات حرفه‌ای و طبقه‌بندی اعضا است و جدای از روح حاکم بر قانون تشکیل جامعه در اصلاحات مورد عمل و در غیاب جامع‌نگری و عدم فرافکنی باید علل بروز و ریشه‌ی ظهور برخی از اصلاحات مزبور را در عملکرد خود جستجو کنیم و ببینیم که «ما» چه‌گونه «ما» شدیم؟ چه‌گونه عمل شده که این‌گونه برای ما نسخه نوشته شده و بیم این را داشته باشیم که راه نسخه‌نویسی مجدد کماکان باز است و کلام آخر از حکیم رودکی در ارتباط با مبانی قضاوت‌های متفاوت که تمثیلی از سه پیراهن حضرت یوسف آورده، نخست پیراهن خونین حضرت که برادران نزد پدر بردند، این پیراهن «بوی دروغ» می‌داد، دوم پیراهن پاره شده‌ی حضرت ناشی از دسیسه‌ی اطرافیان که این پیراهن «بوی تهمت» می‌داد و آخر پیراهن حضرت که نزد پدر بردند که «بوی یوسف» می‌داد که باعث بینایی وی شد. امیدواریم هرگونه تصمیم‌گیری و انجام اصلاحات در خصوص حرفه بر مبنای حقیقت باشد که اگر این‌گونه باشد قطعاً مؤثر خواهد بود. انشا... که چنین باد.

آیینه ات دانی چرا غماز نیست؟
زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست.
(مولوی)